

باسمه تعالی

نکاتی در باره روش تدریس با رویکردی به سطح یک

حسن اسلام پور کریمی^۱

۱. توجه کنید که برای انجام هر فعالیت موفق، به چهار مهارت نیاز دارید:

الف) مهارت علمی (محتواشناختی)

ب) مهارت روش شناختی

ج) مهارت روان شناختی

د) مهارت ارزش شناختی

۲. استاد باید قبل از کلاس مطالعات و آمادگی خود را تا سه مرحله عمق بخشد:

مرحله اول: مطالعه کند تا بفهمد.

مرحله دوم: مطالعه کند تا بفهمد که چگونه بفهماند.

مرحله سوم: مطالعه کند تا بفهمد که در فرایند فهماندن، به ابهامات و سؤالات پاسخگو باشد.

۳. یک راهکار برای آمادگی قبل از کلاس: استاد قبل از کلاس، با بارش فکری در باره آن موضوع تلاش

کند تمام سؤالات یا ابهامات قابل طرح در باره آن موضوع را پیش‌بینی کند. آنگاه مطالعه تجسسی را

بعد از مطالعه اجمالی و مطالعه دقیق اجرا کند. اگر مطالعه انتقادی نیز صورت گیرد و مطالعات تکمیلی

برای فراروی از محتوای کتاب، نتیجه‌بخش باشد استاد مذکور در حد یک صاحب‌نظر جلوه خواهد

کرد.

۴. صرف نظر از همه مهارت‌های تدریس، هیچ چیزی به اندازه تسلط بر درس در کارآمدی تدریس ما

مؤثر نیست. به صورت حرفه‌ای برای تدریس در برخی مواد آمادگی خود را کامل کنیم.

^۱ - دانش‌آموخته مقطع دکترای فلسفه از دانشگاه تهران، مربی کشوری روشهای تحقیق و روشها و فنون تدریس، استاد حوزه و دانشگاه. شماره تماس

۰۹۱۲۱۵۳۰۴۳۱ آدرس الکترونیکی: Eslampur88@gmail.com

۵. برای هر ماده درسی باید یک طرح درس داشته باشیم. در کنار آن باید یک جزوه درسی داشته باشیم؛ هر چند کتاب هم داشته باشد. اگر نداریم، به تدریج باید چنین جزوه‌ای را تدوین کنیم. اگر کتابی در همان مورد چاپ کردیم، یافته‌های جدید را به صورت حاشیه در اطراف آن بنویسیم و در هنگام تدریس، از آن حاشیه‌ها استفاده کنیم.
۶. بر روش یا فن خاصی در تدریس‌ها تبحر و جمود نداشته باشیم و به صورت پویا و منعطف روش خود را هر جا لازم شد، با شرایط سازگار کنیم. مانند داروخانه باشیم و سعی کنیم به روش‌ها و فنون متعدد مسلط شویم و هر جا لازم شود یک یا چند تا از آنها را به کار بگیریم.
۷. این مقطع (سطح یک)، برای آمادگی و ورود تدریجی به عرصه پژوهش باید پایه‌ریزی شود. پس آموزش را با این هدف، جهت‌دهی کنیم. فرصت‌های پژوهشی در این دوره، برای تقویت خود آموزش باید خرج شود. مباحث و مهارت‌های پژوهشی را در تمام این سنوات توزیع کنیم و نگذاریم مهارت‌های پژوهشی در یک کلاس (کلاس روش تحقیق) و در یک استاد (استاد پژوهش) محدود و منحصر شود.
۸. به جای سخن از «پیوند آموزش و پژوهش»، توصیه بنده این است که باید از «توازی و تضایف آن دو حتی در مرحله حصول» سخن گفت. به اندازه آموزش باید پژوهش کرد؛ یعنی به صورت تشکیکی و پویا از هر سرمایه‌آموخته شده در باره یک موضوع، باید برای پاسخ به مجهولات دیگر در باره همان موضوع بهره جست. طلبه یاد بگیرد که چگونه باید خودش یاد بگیرد. پژوهش در این سطح (سطح یک)، در خدمت آموزش است و برای سرعت‌بخشی و ارتقای آموزش طراحی و مدیریت شود.
۹. گاهی مسئله پژوهشی طرح کنیم و به اتفاق هم دنبال جواب باشیم. سعی کنیم در بیشتر جلسات، یک مسئله‌ی چالش را مطرح کنیم و سقراط‌وار خود را به نادانی بزنیم تا طلاب برای پیدا کردن جواب تقلا کنند. این کار هم رقابت ایجاد می‌کند و هم یادگیری را لذت‌بخش می‌کند. بهترین راه برای تقویت روحیه پژوهشگری و کنجکاوی همین است.

۱۰. توجه داشته باشیم که سه سال اول طلبگی این ظرفیت را دارد که برخی طلاب بتوانند در علوم ادبی «پژوهش واقعی» داشته باشند و نتایج جدید عرضه کنند. نوآوری ما در عرصه ادبیات چرا کم است؟ به نظر شما، فقط نگاه ابزاری به ادبیات، خودش یک آسیب نیست؟
۱۱. از طلاب، به‌ویژه از پایه ۵ به بالا، بخواهیم که «مقالات علمی» یا «پایان‌نامه»های منتشر شده در باره ماده درسی مورد نظر را مطالعه کنند تا از جدیدترین یافته‌های جامعه علمی باخبر شوند.
۱۲. سعی کنیم اگر طلاب ما در نهایت آموزش، اگر پژوهشگر نشدند، حداقل پژوهشگر باشند.
۱۳. روشها و فنون تدریس پژوهش‌محور را در حد مهارت کافی بیاموزیم و اجرا کنیم.
۱۴. به صورت ترتبی در طول تحصیل و حتی در یک ماده درسی در طول نیمسال، به طلاب بیاموزیم که:
- الف) چگونه باید به ذهن بسپارند؟
- ب) چگونه باید مطالب را به حالتهای دیگر «تبدیل» کنند؟
- ج) چگونه مطالب را مقایسه کنند و «روابط بین مطالب را کشف» کنند؟
- د) چگونه مطالب را «به کار ببرند»؟
- ه) چگونه مطالب را «تحلیل کنند»؟
- و) چگونه مطالب و دیدگاه‌ها را «نقد کنند»؟
- ز) چگونه «نوآوری و تولید» داشته باشند؟
۱۵. در هر ماده درسی، از آموخته‌های قبلی برای آموزش مطالب جدید استفاده کنیم و از آموخته‌های هر ماده درسی در مواد درسی دیگر نیز بهره ببریم. مثلاً از منطق برای روش تحقیق استفاده می‌کنیم.
۱۶. همیشه از روش‌های لازم و مناسب برای پیشرفت‌های علمی و پژوهشی طلاب، سخن بگوییم و توصیه داشته باشیم؛ روش مباحثه، روش مطالعه، تندخوانی، به ذهن سپاری مطالب، روش خلاصه‌کردن و غیره. مثلاً «قشنگ‌الک»، رمزی است برای ۸ فعل امر تک‌حرفی.
۱۷. **تبدیل کلاس به کارگاه:** کلاسها را به یک مسابقه و رقابت تبدیل کنیم و انواع امتیازها و تشویق و ترغیب‌ها در کلاس ما باید موج بزند. تلاش ما این باشد که هر «کلاس» را به یک «کارگاه» تبدیل کنیم. جلسه درس باید محل فکر کردن، اظهار نظر، نقد و بررسی باشد. ویژگیهای دیگر کارگاه چیست؟

۱۸. گاهی می‌توانیم محتوای درس را با زندگی پیوند بزنیم و با استفاده از آموخته‌ها در مصادیقش، فضای آموزشی را به یک گفت‌وگو تبدیل کنیم. در صحبت‌ها و ارتباطات با طلاب، محتوای درس را هر جا که متناسب بود به شوخی یا جدی به کار ببریم.
۱۹. گزارش از منابع مهم را از طلاب بخواهیم و روش گزارش‌دهی و تقریر از مطالب و دیدگاه صاحب‌نظران را نیز به آنها آموزش دهیم.
۲۰. بهترین و مؤثرترین هدیه و تشویق طلاب این است که فضا و شرایطی ایجاد کنید تا طلاب محتوا را درک کنند و از این ادراک، لذت ببرند.
۲۱. استاد وظیفه دارد در باره ایجاد انگیزه، اصلاح انگیزه، تقویت و تثبیت انگیزه، نقش خود را ایفا کند. تدابیر شما در این زمینه چیست؟ بیان هدف درس و محل کاربرد آن، یکی از راه‌های انگیزه‌بخشی است.
۲۲. بخشی از نتیجه و ارزشیابی درسی را به فعالیت‌های مناسب دانش‌پژوهان اختصاص دهیم.
۲۳. هر گاه فعالیت عملی خواستیم، منابع، روش و مراحل کار را نیز به آنها معرفی کنیم و سعی کنیم همیشه در دسترس باشیم. در دسترس بودن استادان برای سطح یک را یک «اصل» می‌دانم.
۲۴. هنگام ارزیابی فعالیت‌های کتبی طلاب، نسبت به اصول مهم نگارشی بی‌تفاوت نباشیم و آنها را با رنگ متمایز کتباً تذکر دهیم.
۲۵. در سه سال اول که با دروس ادبیات سر و کار بیشتری داریم، سعی کنیم مکالمه عربی را در هنگام تدریس و یا در فضاهای دیگر آموزشی جدی بگیریم و طلاب را برای آموزش آن ترغیب کنیم. وصیت‌نامه یا زندگی‌نامه خود را به فارسی و سپس به عربی ترجمه کنند.
۲۶. قبل از تدریس یک کتاب، مؤلف آن، اهداف آن، روش تألیف آن، سیر تاریخی و تاریخ تحولات و تطورات آن علم و رؤس ثمانیه علوم را قبل از تدریس، برای طلاب تبیین کنیم.
۲۷. قبل از شروع هر درس، دیدگاه‌ها و اظهارنظرها و موضع‌گیری‌های علما و صاحب‌نظران در باره آن درس را برای طلاب بیان کنیم تا به اهمیت آن درس پی ببرند و ترغیب شوند.

۲۸. از طلاب برتر و نخبه در امر آموزش استفاده کنیم و در هر جای کلاس که صلاح باشد، آنها را در یاددهی مشارکت دهیم.

۲۹. فوت و فن تدریس و تمام تجربیاتی را که به تدریج در هر ماده درسی کسب می‌کنیم، در یک جزوه (مخصوص استاد) جمع‌آوری کنیم و بعد از هر بار تدریس، خود را ارتقا دهیم و نقایص را کم کنیم. «سؤالهای پژوهشی» را که در کلاس از ما می‌پرسند و ما نمی‌توانیم به آنها پاسخ کامل بدهیم باید در یک جای مشخصی ثبت شوند و به عنوان «مسئله پژوهشی» برای ما مطرح باشند. می‌توانیم در باره آنها مقاله بنویسم یا حداقل جزوه درسی خود را کامل کنیم.

۳۰. صاحب نظران قدیم و جدید و مهم‌ترین منابع قدیم و جدید در هر درس را در جلسات اول معرفی کنیم و منابع را در کلاس بیاوریم و نشان دهیم؛ مثلا بیان کنیم که در علم صرف صاحب‌نظران چه کسانی هستند و چه منابع مهمی مطرح هستند.

۳۱. روش معرفی منابع را آموزش دهیم و به فعالیت‌هایی که طلاب در این باره انجام می‌دهند، امتیاز دهیم.

۳۲. منطق را کاربردی درس بدهیم و از کتابهایی مانند مغالطات علی اصغر خندان استفاده کنیم.

۳۳. روش تلخیص را به طلاب آموزش دهیم تا حجم بیشتری از مطالب را در آستانه امتحان بتوانند مطالعه و یادآوری کنند. اگر ممکن است برای طلاب حوزه کارگاه مطالعه داشته باشیم.

۳۴. با طلاب خودمانی و رفیق شویم اما حساب شده. نکات اخلاقی را دقیقا با محتوای درس پیوند بزنیم و به طور غیرمستقیم و گاهی در قالب مثالها ارزشهای اخلاقی را به طور حساب شده به طلاب منتقل کنیم. گاهی در مورد برنامه‌ریزی زندگی و تنظیم خواب و سایر مهارت‌های زندگی صحبت کنیم. گاهی غیراستاد اخلاق اینها را مطرح می‌کند، تأثیرش بیشتر است.

۳۵. صرف و نحو را کاربردی درس دهیم و آنها را آماده کنیم و هدف را بیان کنیم که در پایه های بعدی باید از این مهارت استفاده کنند. در علم صرف و نحو، کارهای عملی روی ادعیه و زیارات را به عنوان تکلیف و تمرین از طلاب بخواهیم؛ مثلا مناداها و موصول‌ها را در دعای جوشن کبیر پیدا کنند. گاهی از شاگردان به صورت انفرادی یا گروهی بخواهیم که در باره صیغ مشکله تحقیق کنند. می‌توان چند صیغه مشکله را در برگه‌ها نوشت و بین آنها قرعه‌کشی کرد.

۳۶. تجزیه و ترکیب قرآن را از آنها بخواهیم. یک استاد می‌گفت: ترجمه مصباح‌زاده که تحت اللفظی است برای شروع کار خوب است. الجدول فی اعراب القرآن نیز کتاب خوبی است در مورد تجزیه و ترکیب قرآن.

۳۷. روش استفاده از کتب لغت را آموزش دهیم. شرح‌ها را معرفی کنیم و ابتدا شرح فارسی و سپس شرح مزجی را بخوانند.

۳۸. مثال زیاد زدن در تدریس و انتقال مفاهیم و معانی یک اصل است و جذاب. مثلاً فرق ذهب و ذهب به و فعل‌های دو مفعولی و نیز مصدرهای دو مفعولی را با مثال‌های متعدد آموزش دهیم.

۳۹. درس اصول قدری خشک است؛ باید با مثال‌های ملموس آنها را توضیح دهیم و کاربردی کنیم.

۴۰. هیچ جزوه پرغلط خودمان را به طلاب ندهیم. توجیهاات بعدی هیچ دفاعی از خطاهای ما تلقی نخواهد شد.